

تحلیلی از تعامل فرهنگ و کالبد شهر

(نمونه موردی: اصفهان- صفویه)

دکتر فرشته حبیب*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۰۵/۲۰



چکیده

اخیراً در عرصه‌های گوناگون علمی، تلاش‌هایی صورت گرفته تا علوم را از انزوای شناخت شناسیک^۱ خود خارج کنند. چرا که علوم مختلف بیشتر سرگرم مناسبات درونی خود هستند تا دریافت واقعیت‌ها. شهرسازی نیز با توجه به تحولات فکری، فلسفی و علمی اخیر، دستخوش تحولات بنیادین شده است. در شهرسازی امروزی بسیاری از مردم گرایش به خدمات شهری مدرن و سنتی دارند. بسیاری این پدیده را نشانه‌ای از ظهور مجدد حکمت شهودی کهن می‌دانند، در حالی که بسیاری آن را جریانی کاذب و ناشی از برخی انحرافات فرهنگی، ارزیابی می‌کنند. بیرون از این دو تحلیل دیدگاه‌هایی وجود دارد که این پدیده را نه مسیری قهقرایی و نه بی اهمیت و انفعالی تلقی می‌کند. در این مقاله سعی شده تاثیر فرهنگ ایرانی در زمان وبستر مکان در تجسد کالبدی‌اش یعنی اصفهان دوران صفویه (۱۷۷۸-۱۵۳۵) مورد بررسی قرار داده، و نقش عوامل فرهنگی در شکل‌گیری کالبد شهر مورد بررسی قرار گیرد.^۲

واژه های کلیدی

کالبد شهر، فرهنگ ملی، فرهنگ مدرن، فرهنگ مذهبی

* استادیار، دکترای شهرسازی

Email: fereshteh.habib@emu.edu.tr

Email: fhabib@ciu.edu.tr

Email: fereshteh_habib@yahoo.com

ارتباط متقابل همه فرهنگ‌ها امکان انتخابی گسترده در اختیار انسان می‌گذارد، به وی فرصت می‌دهد در آن واحد در حیطه‌های گوناگون حاضر باشد. به علاوه، همانطور که در الگوی تحقیقات علمی، در عین آن که پدیده‌ها از هم جدا نیستند و جزئی از مجموعه‌ای وسیع‌اند، ناچاریم برداشتی تقلیلی اتخاذ کنیم تا جنبه‌های گوناگون یک پدیده را به تفصیل و در جزئیات دریا بیم، در حیطه فرهنگی نیز ناگزیریم دو گونه عملیات مقارن انجام دهیم. نخست فرهنگ خاص و متمایزی را که از آن خود است شناخته و آن گاه به هر طریق که می‌توانیم این فرهنگ را در قلمرویی بیکران جای دهیم، قلمروی که در آن همه فرهنگ‌ها در هم می‌آمیزند تا حافظه‌ای جمعی بیافرینند که از آن کل بشریت است.

هر ساختار معنایی که در آن معنای مستقیم، اولیه و تحت اللفظ، نشان از وجود معنای دیگری دارد که غیر مستقیم، ثانویه و مجازی است و تنها با دستیابی به معنای نخستین قابل درک خواهد بود، واجد ساختاری نمادین است. ریکور^۳ رمزگشایی گفته‌هایی را که معنای دوگانه یا چندگانه دارند (یعنی در واقع عمل تفسیر را) چنین تعریف می‌کند: "تفسیر یکی از کارهای تفکر است مشتمل بر رمزگشایی معنای نهفته در معنای آشکار، و گستردن سطوح معنایی مستتر در معنای تحت‌اللفظ" (ریکور، ۱۹۷۴). پس نماد و تفسیر هم بسته‌اند، هر جا که معناها متعدد وجود داشته باشد تفسیر هم هست. معنای پنهان گفته‌های نمادین را می‌توان به شیوه‌های گوناگون تفسیر کرد. عالم الهیات این معنای نهان را از ورای مراسم دینی، اسطوره‌ها و اعتقادات در می‌یابد، شاعر در فراکنی تخیل خلاق، هر حیطه‌ای از درک و فهم، با زبان خود سخن می‌گوید و هر شیوه هستی، وجه انکشاف خود را دارد و هر شناختی به کلید تفسیر خاص خود آراسته است.

زبان شهرسازی بخش قدیمی اصفهان یعنی مجموعه نقش جهان، مانند زبان هر اثر هنری دیگر، پیام‌های فرهنگی دوره خود را انتقال می‌دهد، یعنی مقولات فرهنگی را نمادین می‌کند. بدیهی است قصد این نوشتار آرمانی کردن دوره‌ای در گذشته نیست، بلکه هدف آموختن از گذشته برای آینده است. هر چند در دوره‌ای که از آن نام برده شد. کج تابی‌های فراوانی نیز وجود داشته است. مشخصه بزرگ این دوره نوجویی و نوجوایی نظام فرهنگی بود تا آن جا که در بسیاری از عرصه‌ها به ایجاد فرهنگ نوینی از شعور اجتماعی، ادراک فضایی و فهم ارزش‌های هنری توفیق یافته است.

دوره میانه حکومت صفوی به دلیل پایگاه مقتدر سیاسی/اجتماعی و آزاداندیشی، زمینه بسیار مستعدی برای شکوفایی استعداد هنرمندان و صنعتگران فراهم شد. آنان نیک می‌دانستند که هنر با نوآوری معنا می‌یابد و نوآوری یعنی بدعت گذاری، نه تکرار و تقلید گذشته. هر صدایی در روح ما برخاسته از آگاهی و به عبارت دیگر فرهنگی خاص است.

دست آورد گرانقدر توسعه شهری اصفهان با سازمان دهی فضای باز چون مفصل پیوند بخش کهن و بخش نو، (مجموعه شهری عظیم میدان نقش جهان و محور چهارباغ) و خلق شاهکارهای معماری چون پل خواجه، سی و سه پل، مسجد شیخ لطف الله در دوره‌ای حاصل شد که نظام مدیریت و سازمان‌های وابسته به آن قابلیت‌های بسیاری در پذیرش نوآوری و فراهم کردن میراث ارزشمندی از هنر معماری و شهرسازی نشان دادند.

عوامل موثر در شکل گیری کالبد شهر اصفهان در دوره صفویه

مهمترین نکته در طراحی شهری این دوره زبان مجازی و رمزی معنای درونی آن است، که منبعث از فرهنگ ایرانی که آمیزه ای از - ملی، مذهبی، مدرن - است می‌باشد. در تحلیل مبانی طراحی شهری این دوره غالب مطالعات انجام شده، بررسی صرفاً تأثیر مذهب بر کالبد بوده مانند نصر، اردلان و بختیار، یا ملاحظات زیباشناسانه بر کالبد بوده مانند پل الیور و آشی هارا، یا دیدگاهی اسطوره‌ای به موضوع بوده و مبانی طراحی را در اساطیر قوم ایرانی نشان می‌دهند. اینان معتقدند که مبانی طراحی را باید در الگو یا الگوهای کهن قوم ایرانی جستجو کرد. مانند، شریعتی، حبیبی، بهار. دیدگاه پوپ و پیروانش نیز مبنای همه هنرهای ایرانی که معماری و شهرسازی را نیز در بر می‌گیرد اندیشه بازسازی بهشت، به مفهومی که کهن الگوی آن در لاهوت بوده و یا صرفاً عملکردی، تحلیل می‌کنند.

در این پژوهش به مبنای طراحی شهری در دوره مورد بحث از دریچه فرهنگی آن می‌نگریم و با توجه به رویکردی که نسبت به فرهنگ ایرانی که آنرا آمیزه‌ای از ملی (محلّی)، مذهبی (سنت)، و مدرن (نوگرا) دیده^۴ مبانی طراحی شهری دوره را بازتابی از این فرهنگ یافته؛ چرا که، ما به یمن قوه نقد و تامل نسبت به خود که آن را مدیون هویت و فرهنگ مدرن خویشیم؛ با جهان معاصر هماهنگ می‌شویم و ارتباط برقرار می‌کنیم، لذا در این حیطة، پس از چالش در اوضاع اقتصادی و اجتماعی و طبیعی، کالبد شهر را به ایجاز توصیف می‌نمائیم. چالش کالبد در ارتباط با محیط و شرایط جغرافیایی چون قابل نقد علم است، منطقی‌تر صورت می‌پذیرد، ولی سر فضای فرهنگی بدون دل دادن به داستان معنویت و تجرید آن صورت نمی‌پذیرد.

اوضاع تاریخی و اجتماعی

- این دوران همزمان با گذار از دوران خاموشی به عصر روشنگری در تمدن غرب است و همچنین دوران کلاسیک عثمانی (۱۷۷۸-۱۵۳۵ میلادی).
- این دوره را می‌توان تجدید سازماندهی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران به حساب آورد.

فرهنگ و جهان بینی

- بخش بزرگی از اسطوره‌های معادشناختی دین زرتشت در متافیزیک شیعی ایرانی راه یافته است (کربن، ۱۳۷۴؛ و شایگان، ۱۳۸۰).
- اعتقاد به دیاره دوازده هزار ساله‌ای که در جهان شناسی مزدایی به استحاله نهایی و پاکسازی کامل جهان ختم می‌شود، ایرانیان را آماده پذیرش چنین اندیشه ای می‌کرد. امام غایب نیز همچون سوشیانت (زرتشت آینده) و کیخسرو، این قهرمان قائم به قیامت در شاه نامه، در این جهان محجوب و مستور، اما در جایی دیگر حاضر است (بهار، ۱۳۷۶).
- مضمون عمیق این پیام یعنی استحاله آخر زمان، که ذهنیت ایرانی آن را با تمام وجود تجربه و احساس کرد، دست نخورده باقی مانده است.

- پیوند عرفان ابن عربی با حکمت اشراق سهروردی و تاملات عرفانی تشیع، زمینه ساز ظهور بینش اصالت وجودی شد که صدرای شیرازی آن را در مکتب اصفهان (قرن دهم و یازدهم ه. به اوج کمال رسانید (کرین، ۱۳۶۱ و شایگان، ۱۳۸۰).
- حکومت صفوی با تکیه بر اصول مذهب شیعه، تصوف، عرفان، نو-افلاطونیان، نجوم مذهبی، علم تاویل و استحالات تمثیلی دین زرتشتی موفق شد قدرتی گسترده در منطقه بدست آورد. این مکتب در آن دوران در سرتاسر عراق و سوریه و هند که ارتباط قوی با ایران داشتند پراکنده شد و **مکتب اصفهان** (اورسل، ۱۹۲۴) نام گرفت.
- فرهنگ ملی در چهار چوب مذهبی که متأثر از دنیای مدرن آن دوران بود، دوباره متولد شد.

اصول اعتقادات

زبان رمزی^۵: اعتقاد به علم تاویل و هرمنوتیک، هم شاعرانه و هم هندسی و ریاضی.

- **وحدت وجود^۶**: حکمت وحدت وجود پایه متافیزیک صوفی ست. استمرار بین خدا و جهان، که با جمله شهادت، "لا اله الا الله" تعریف می‌گردد. بمعنای هیچ حقیقتی جز حقیقت مطلق وجود ندارد، و آیه، "بگو: خدا یکی ست".
- **عالم کبیر و عالم صغیر^۷**: این نوع جهان‌شناسی معتقد به سلسله مراتبی از جهان‌های مختلف می‌باشد. (تصویر شماره ۱)



عالم کبیر

عالم صغیر

- عالم کبیر
- ۱- عالم هاهوت: ذات الهی
 - ۲- عالم لاهوت: سرشت الهی
 - ۳- عالم جبروت: کهن الگوها
 - ۴- عالم ملکوت: نمادها
 - ۵- عالم ناسوت: طبیعت انسان

- عالم صغیر
- ۱- مقام حقیقت
 - ۲- مقام روح
 - ۳- مقام قلب
 - ۴- مقام حواس
 - ۵- مقام جسم

مأخذ: نگارنده

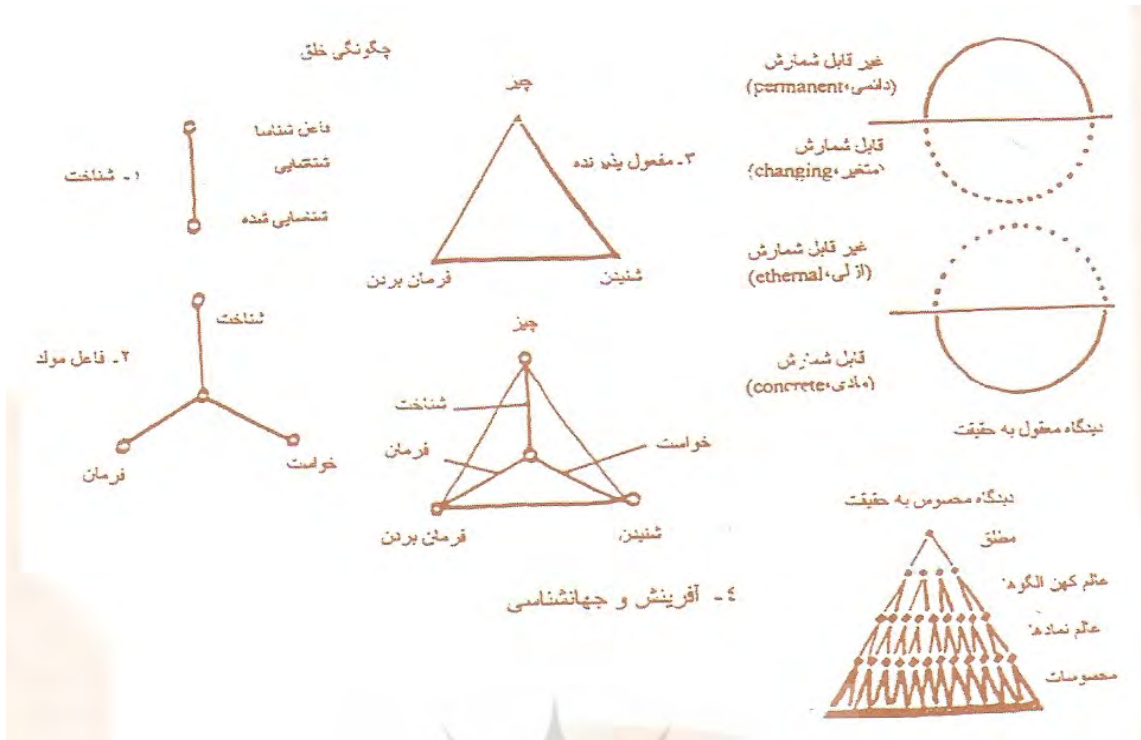
تصویر شماره ۱- عالم کبیر و عامل صغیر

- **انسان کامل^۸**: جهان صغیر و کبیر همچون دو آینه روبه روی یکدیگر قرار گرفته‌اند، و در هر یک دیگری منعکس می‌شود. "مثل" افلاطون و "کلمه" در اعتقاد فیلون که "نخستین صادر شده از خدا" است و همه "مثالها" در آن جمع آمده است.

▪ **اسماء و صفات الهی^۹**: (ذکر) راهی است برای رسیدن به حقیقت ریشه و جوهره همه چیز است.

- **آفرینش و جهان‌شناسی^{۱۰}**: آفرینش راهیست که مخلوقات را از لاهوت به ناسوت می‌آورد بعبارت دیگر از شکل رمزی

به شکل موجود یا از شکل ذهنی به شکل عینی. دنیا آینه ایست (تصویر شماره ۲)



مأخذ: نگارنده

تصویر شماره ۲- آفرینش و جهانشناسی

■ **وصال^{۱۱}**: وصال را عموماً به صورت تصفیه تدریجی قلب و وصول به فضایی روحانی می‌دانند.



مأخذ: نگارنده

تصویر شماره ۳- وصال

■ **وحدت ادیان**: باور براین است که هر پیغمبر کلمه ایست که زبان الهی را می‌سازد. و شرایع الهی همه راه‌هایی هستند که

به یک مقصد می‌رسند.

" قلب من گنجایش هر صورتی را پیدا کرده است: چراگاه غزالان است و صومعه راهبان،

بتخانه اصنام است و کعبه حاجیان و الواح تورات و کتاب قرآن

من پیرو دین عشقم: راهی که نافه عشق برود، همان دین من است و ایمان من (ابن عربی) "

ادراک شهری و تاثیر فرهنگ بر کالبد

به اختصار در دو نمودار ذیل که در یکی استحاله فرهنگ ملی و مذهبی، با تجلی جهان بینی متکی بر استحضالات تمثیلی متافیزیک شیعه، زرتشتی، نوافلاطونیان و نجوم مذهبی (کربن، رضی، شایگان، بختیار) در تجسد کالبدی آن یعنی کالبد شهر (نمودار شماره ۱) و در دیگری فرهنگ نوگرا در تجسد کالبدی آن یعنی کالبد شهر نمایش داده می شود. (نمودار شماره ۲)

استحاله فرهنگ ملی و مذهبی با تجلی جهان بینی متکی بر استحضالات تمثیلی متافیزیک شیعه، زرتشتی، نوافلاطونیان و نجوم مذهبی در تجسد کالبدی آن یعنی کالبد شهر

نماد گرایی

انسان کامل	آفرینش و جهان شناسی	عالم کبیر و عالم صغیر	وحدت وجود	زبانرزمی (تأویل)	
				در شکل هندسی	در شکل رمانتیک
نشانی از خدا یا عالم صغیر	آفرینش نظیر کارکرد ذهن انسان در نحوه تبدیل عینیت به ذهنیت یا ساختن اثر هنری یا اسطوره و زبان است، یعنی مخلوقات، نمادها و کلمات	عالم مثال رابطی بین عالم مادی و عالم مجردات	کلیت به عنوان واحد عمل می کند و نشان دهنده هویتی به هم پیوسته است.	زبان شکلی از زندگی اسوره بیان زندگی	
خدا موبد، خدا شاه، خشتر کدخدا	از دنیای الهی به دنیای انسانی منتقل می شوند.	هر جزء (عالم صغیر) در موقعیت دیگر کلی (عالم کبیر) را تشکیل می دهد.	کلیت شهرسازی به عنوان یک منظومه قابل بررسی می گردد، منظومه ای از نمادها	زبان بصری شاید حتی دقیق تر و عمیق تر از زبان کلامی	
رهبر معنوی به عنوان مرشد کامل، سایه خدا بر زمین	مخلوقات به دنبال رجعت به مبدأ هستند.	عالم صغیر چه در مقیاس شهر، روستا، محله، میدان، میدانچه و گذر و چه در مقیاس خانه پرتوی از عالم کبیر است.	یک زمینه در حالتی جامع تر، خود به عنوان شکلی از یک زمینه مطرح می گردد.	هر بنا واژه ای است که معنای آن را در گزاره تعیین می کند یا به عبارتی دیگر نظام درونی بین واژگان است که معنای آن را تعیین می کند.	
تبدیل ملوک الطوایفی در اقطاع به تیولداری قاهر و متمرکز دولتی (دولتی که عملاً در وجود سلطان صفوی یا مرشد تجلی می یابد. مدیریت اصناف، خدمات، کشاورزی، تجاری، صنعتی، عمومی، امنیتی از وظایف دولت که در مرشد متجلی است).	تقلیل ماده و افزایش روح،	این محبت تأکید بر کلیت شهرسازی و نظام موجود در این کلیت در جهت تأمین حس وحدت مطبوع است.	رنگها، شکلها و مصالح حس وحدت را القا می کنند.	تکوین و تدوین زبانی فنی با اصولی روشن این نظام ما را به اصل نظام هدایت می کند.	
سیستم نوین مدیریت شهری	تقلیل ماده و افزایش روح،		این محبت ما را به بحث کلیت هدایت می کند.		

نمودار شماره ۱- استحاله فرهنگ ملی و مذهبی با تجلی جهان بینی متکی بر استحضالات تمثیلی متافیزیک شیعه، زرتشتی، نوافلاطونیان و نجوم مذهبی در تجسد کالبدی آن یعنی کالبد شهر
 مأخذ: نگارنده



پس از چالشی که در رابطه با جهان بینی این دوران که متأثر از مکتب فلسفی مذهبی اصفهان و نتیجتاً فرهنگ آن دوره و همچنین اوضاع اقتصادی آن روز که متأثر از جهان بینی دوراننش و اعتقاد بر انسان کامل یا مرشد کامل یا خدا موبد، خدا شاه بوده نمودیم، و با توضیح اینکه قصد این نوشتار آرمانی کردن دوره ای در گذشته نیست بلکه هدف آموختن از گذشته برای آینده است. نتیجتاً به اختصار در نمودار صفحه پیش که در یکی استحالته فرهنگ- ملی و مذهبی- با تجلی جهان بینی متکی بر استحالته تمثیلی متفاوتیک شیعه، زرتشتی، نوافلاطونیان و نجوم مذهبی در تجسد کالبدی آن یعنی کالبد شهر و در دیگری فرهنگ نوگرا در تجسد کالبدی آن یعنی کالبد شهر نمایش داده شد. در نمودار اولی ماحصل آن جهان بینی و اصول اعتقادات نمادگرایی به ایجاز نمایش داده شده است و تجلی آن در تجسد کالبدی یعنی کالبد شهر چالش شده. ستون اول که مبین اصل نخستین یعنی زبان رمزی و تاویل است به بهترین وجه در شهرسازی اصفهان قرن شانزده و هفده متجلی است چنانچه:

- **زبان رمزی:** هنر به طور عام و معماری و شهرسازی به طور خاص به منزله دستگاهی از نشانه‌هاست، بدین ترتیب از جهاتی می‌توان آن را قابل مقایسه با نظامی از نشانه‌های قراردادی که دارای مناسباتی درونی می‌باشند یعنی زبان - به معنای گسترده آن - دانست. ویتگنشتاین زبان را شکلی از زندگی می‌داند و اشتراوس اسطوره را بیان تجربه زندگی. از اینرو دریافت منطق شکل دهنده آنها به معنای شناخت ساز و کار کنش ذهنی است. اگر بتوان کارکرد ذهن آدمی را در نحوه ساختن اسطوره و زبان تعیین کرد، آنگاه می‌توان کارکرد ذهن را در سوبه‌های دیگر نیز تعیین نمود که این هر دو بیانگر زبان ناخودآگاه، اراده قدرت و شیوه‌های حاکم تولید هستند. زبان بصری حتی دقیق‌تر از زبان کلامی عمل کند. هر بنا واژه‌ای است که معنای آن در گزاره تعیین می‌شود یا به عبارتی دیگر نظام درونی بین واژگان است که معنای آن را معین می‌کند. این نظم ما را به اصل نظم هدایت می‌کند.^{۱۲}
- **وحدت وجود:** عرفا بر این باورند، وجود پدیده‌ای واحد است، که در مراتب متعدد هستی در لباس موجودات ظاهر شده است. بر اساس این اعتقاد، عرفا همه آفرینش را در یک وجود می‌دانند و در دفاع از این نظریه از قرآن شاهد می‌آورند. در مجموعه نقش جهان کلیت شهرسازی به عنوان واحد عمل می‌کند و نشان دهنده هویتی بهم پیوسته است. به عنوان منظومه‌ای از نمادها قابل بررسی است. یک زمینه در حالتی جامع تر، خود به عنوان شکلی از یک متن مطرح می‌گردد. رنگ‌ها، شکل‌ها و مصالح حس وحدت را القاء می‌کنند. این مبحث مبین مبحث کلیت است. بصورت نمادین این وحدت در گنبد به مفهوم سپهر و آسمان و همچنین نورگیرهای سقفی نمایش داده شده است.
- **عالم کبیر و صغیر:** وجود عالم مثال در تفکر ایرانی - شرقی رابطی بود بین عالم مادی - جسمانی و عالم مجردات، و انسان از طریق ارتباط با عالم مثال، با کلیت واحد تجرید شده رابطه برقرار می‌کرد. چگونگی بیان جهان هستی نوعی معرفت به همراه داشت. در واقع شهود و تعقل از هم جدا نبود. نمادگرایی در زندگی روزمره انسانها جاری بود. فرایند شکل‌گیری فضای شهری و کالبد شهر عمل آئینی بود و صرفاً پاسخگویی به جنبه‌های شکلی و کالبدی به

صورت کنار هم قرار گرفتن عناصر، بدون توجه به اینکه کلیت چیزی فراتر از مجموعه‌ای از عناصر می‌باشد، نبود. کلیت شهر همانند هر سیستمی با عناصر و روابط و نسبت‌های درونی بین آنها قابل تعریف است. عالم مثال رابطی بین عالم مادی و عالم مجردات، هر جزء (عالم صغیر) در موقعیتی دیگر کلی (عالم کبیر) را تشکیل می‌دهد. این مبحث تاکید بر کلیت شهرسازی و نظام موجود در این کلیت در جهت حس وحدت مطبوع است.

• **آفرینش و جهان شناسی :** نظیر کارکرد ذهن انسان در نحوه تبدیل عینیت به ذهنیت یا ساختن اثر هنری و یا

اسطوره و زبان است. یعنی مخلوقات، نمادها، کلمات از دنیای الهی به دنیای انسانی منتقل می‌شوند. مخلوقات بدنبال رجعت به مبداء هستند. به عبارتی تقلیل ماده و افزایش روح یا در فرم شهرسازی تقلیل توده و افزایش فضا.

انسان کامل : خدا - موبد، خدا - شاه، خستر، کدخدا، رهبر معنوی به عنوان مرشد کامل، سایه خدا، ماحصل این طرز فکر اقداماتی بوده است که در زمینه اقتصادی بوقوع پیوسته، همچون تبدیل ملوک الطوایفی در اقطاع به تیول داری قاهر و متمرکز دولتی، تجدید نظر در دیوان، در مقابل محاکم شرع، بر پا گشتن محاکم عرف جهت محدود کردن اختیارات محاکم شرع، و یا در زمینه مدیریت شهری، اقداماتی که بوقوع پیوست، چون مدیریت اصناف، خدمات و تاسیسات شهری، ارتباطات، کشاورزی، تجاری، صنعتی، خدمات عمومی و امنیتی مالکیت کلیه عوامل و عناصر تولید، سیستم آبیاری، تبیین سیستم نوین مدیریت شهری است . در نمودار بعدی، تجسد کالبدی فرهنگ نوگرا در کالبد شهر به ایجاز نمایش داده شده است ماحصل آن نوجویی و نو خواهی نظام فرهنگی و ایجاد فرهنگ نوینی از شعور اجتماعی، ادراک فضایی و فهم ارزش‌های هنری بود. در شهرسازی این دوره:

• **انسان گرایی:** اعتماد به نفس انسان مجدداً متجلی می‌گردد. طراحی مرکز جدید شهر، تغییر مرکز شهر از کنار مسجد

جامع به جای جدید بر مبنای تعیین توسعه صحیح شهر و مقتضیات زمانه، تدوین محاکم عرف در مقابل محاکم شرع بر مبنای اصول فرهنگی و سنتی به نشانه جدائی حکومت و مذهب، نمایشگر انسان گرایی و اعتماد به نفس انسان این دوره می‌باشد. مطرح بودن فضای انسانی بیش از مقیاس انسانی در طراحی شهری.

• **طبیعت گرایی،** تسلط بر طبیعت در مقیاس کلان، هماهنگی محیط مصنوع با طبیعت، طراحی منظر و باغ سازی،

توافق و همزیستی محیط مصنوع و طبیعت.

• **باز سازی و احیاء مفهوم طراحی شهری،** به عنوان یک تخصص و خلق فضای شهری، امتزاجی از علوم و

هنرها (فلسفه، توسعه شهری، معماری، طراحی شهری، طراحی منظر، سازه و مینیاتور). طراحی شهری در مقیاس کلان، طراحی میدان در مقیاس کلان، پیدایش مفهوم خیابان، طراحی محور جدید توسعه شهری، انتخاب خردگرایانه جهت توسعه. آمیزشی از طراحی خردگرا و ارگانیک (ترکیب عقل و احساس)، جمع آوری روال کهن و اوضاع و احوال جدید جهان آن روز (اتحاد بین جدید و قدیم) ، چشم از زمین به آسمان کشیده می‌شود و انعکاس آسمان بر زمین است (حرکت و پویایی) توازن و تعادل بیش از تقارن که ویژگی معماری و شهرسازی اسلامی است مطرح می‌گردد (توازن و

تعادل) .

از آنجا که شناخت اولیه و ایده پردازی مبتنی بر تفسیر^۳ است و روش تحقیق از طریق قیاسی^۴ حاصل می شود نظریه های بنا نهاده شده تنها جنبه فرضیاتی را دارند که هیچگاه به طور کامل ثابت نمی شوند. روش شناخت بر اساس تجزیه جزییات شروع نمی شود بلکه نظریه ها و فرض ها و مسائل منتج شده از آنها می تواند مرحله اول شناخت باشد سپس این فرضیات به کمک روش های تجربی و آوردن نمونه ها در جهت حک و اصلاح فرضیات بعنوان بنیان اثباتی، می تواند تکمیل کننده باشد.

نتیجه گیری

زندگی شهری به عنوان نماد و تجسم کالبدی مفاهیم سیاسی - عقیدتی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خود از تمامی اشکال گذشته بهره می برد و آنها را به کار می گیرد. هنر و فرهنگ، دیری است که با شهرها عجین شده اند. در شهرها بود که مردم برای تبادل نظر و هماهنگ کردن خلاقیت های یکدیگر گرد هم آمدند و مازاد درآمد اقتصادی که می توانست حامی هنرها باشد انباشته شد و باز در شهرها بود که مخاطبان تشویق گر و منتقد حضور داشتند. نمادهای فرهنگ شهری یونان، ورزشگاه، آسایشگاه، و تئاتر بود - که مشوق تبادل فرهنگ از راه سفر و زیارت، یعنی در واقع طلایه دار جهانگردی فرهنگی کنونی، بودند.

شهرها خود نیز مصنوعات فرهنگی هستند. بسیاری از آنها برای آنکه آراسته و تبدیل به زاینندگان زندگی سعادت‌مندان گردند، هنرمندان، طراحان و معماران را به کار گماردند. این سنت امروز نیز کاملاً زنده است. در چالشی که نمودیم تبلور فرهنگ ایرانی را که آمیزه ای از فرهنگ و هویت ملی و مذهبی و مدرن می باشد در ظرف کالبدی اش یعنی شهر دیدیم.

این نمود همان است که سبب زایش احساسی می گردد که کالبد شهر چون خانه و فراتر از آن، چون بهشت، خانه گمشده و موعود انسان خود را بنمایاند. مشاهده کردیم که کالبد در ظرف مکانی در گذر زمان متأثر از فرهنگ مردمانش می باشد. و هنگامیکه این نگاه فرهنگی با آگاهی در کالبد نمود می یابد، انجاست که سخن از زیبایی و اعتلای کیفی نیز به میان می آید.

فرهنگ، تلقی و دیدگاه ما از جهان، شیوه زیست جمعی و فردی ما، نشانی از هویتمان، مجموعه در هم تنیده ای از اعتقادات، ارزش ها و شیوه های رفتاری نامیرا، تجلی هنر، موسیقی و ادبیات متکی بر الگوهای ملی، مذهبی، و مدرن است.

فرهنگ ملی، مجموعه همه ارزش های الگوهای کهن و اساطیری مان است و فرهنگ مذهبی، حاصل اعتقادات شرعی و سننمان می باشد و فرهنگ مدرن، در ارتباط با سایر فرهنگ ها و به صورت تحلیل و نقد خود و نوآوری است.

پی نوشتها

1- epistemology

۲- رجوع شود به رساله دکترای نگارنده تحت عنوان "تبیین و شناسایی فرهنگ جوامع در روند شکل گیری کالبد شهر"، ۱۳۸۱

3- Ricoeur, Paul

۴- رجوع شود به رساله دکترای نگارنده تحت عنوان "تبیین و شناسایی فرهنگ جوامع در روند شکل گیری کالبد شهر"، ۱۳۸۱

5- mystical language

6- unity of being

7- macrocosm and microcosm

8- The universal prototype

9- The name of divine (Zikr)

10- creation and cosmology

۱۱- Union، همین طرز تلقی " خدا - شاه ، خدا - موبد، خستر، کدخدا " از الگوی اساطیری ایرانیان با استحاله تمثیلی در مذهب شیعه می گردد.

۱۲- کربن، اردلان، بختیار، نصر و بورکهارت اشاراتی از این خصوص داشته‌اند مانند:

- کاشی هفت رنگ، برای پوشش سقف گنبد و سطوح داخلی به کار می‌رود که کنایه از آراستن درون و داخل به معنای ذات هر چیز یا عالم کبیر و برون به معنای ظاهر یا عالم صغیر است.

- باغ به نشانه بهشت و حیات نیز هم، و حوض در وسط حیات نماد چشمه باغ بهشت.

- ایوان دارای مفهوم ویژه ای در اعتقادات قوم ایرانی است.

- ایوان عالی قاپو و میدان نقش جهان به روایت مورخین محل برگزاری بار عام و بار خاص بوده است و الگویی باستانی دارد که سرمشق آن تخت جمشید است.

- همبستگی میدان و ایوان نیز سابقه‌ای به قدمت تخت جمشید دارد. آپادانا که در زبان پهلوی به معنی ایوان است، هم بر بلندای پانزده متری از سطح زمین قرار دارد و هم دارای فضاهای میدان مانند در اطراف است.

- ایوان در فرم مذهبی آن همچون غار با استالاکتیک‌های طبیعی، غاری مصنوعی که باید به سرچشمه زندگی متصل شود و به مفهوم انتقال و طریقت.

- میدان به عنوان محل جلوس شاه سابقه‌ای به قدمت تخت جمشید دارد. عملکردهای میدان، چون بازی چوگان، بار عام، مراسم ساو، جشن ورود شاه و اعدام مجرمین الگویی باستانی دارند و استفاده دیگر که توسط مردم برای گذرانیدن اوقات فراغت و خرید است مقوله‌ای است که به تنهایی نیاز به تحقیق مستقیم دارد.

- وجود بازار قیصریه و مسجد شاه و حضور نزدیک آنها مبنایی اسلامی دارد.

- رنگ آبی سبز و اکر به نقل از یونگ و نصر نشات گرفته از کهن الگوی ذهنی انسان از عالم مثال .

- گنبد سبز زمردین نماد درخت طوبا در بهشت که سهروردی از آن یاد می‌کند و یا سپهر، آسمان و در نهایت به معنای وحدت.

- رنگ سبز از دیدگاه ایرانیان رنگ نمادین آسمان.

- میل، مناره محورالوجودی.

- تخت به مفهوم کوه، دروازه و پل به مفهوم انتقال و طریقت.

- آئینه آب که بر این اعتقاد استوار است که جهان به عنوان عالم صغیر آینه است و عالم کبیر در آن منعکس است.

- بهشت یا طرح ماندالا و استفاده از این تصویر در طراحی صفوی.

- بهشت به مفهوم چهارباغ از سوره‌های قرآن و همینطور اساطیر ایرانی و هندی (ایران ویج و ماندالا)

13- hermenutic

14- deductive

فهرست مراجع

- ۱- احمدی، بابک. (۱۳۷۷). "هرمنوتیک مدرن، برگزیده جستارها"، نشر مرکز، تهران.
- ۲- اورسل، ارنست، (۱۹۷۴)، "سفرنامه"، چاپ زوار، تهران.
- ۳- یورکهارت، تیتوس، (۱۳۶۹). "هنر مقدس"، ترجمه جلال ستاری، چاپ سروش، تهران.
- ۴- بهار، مهرداد، (۱۳۷۶)، "از اسطوره تا تاریخ"، به کوشش ابوالقاسم اسماعیل پور، نشر چشمه، چاپ اول.
- ۵- پوردوود ابراهیم، (۲۵۳۵)، "فرهنگ ایران باستان"، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۶- تاورنیه، ژان بابتیست، (۱۳۳۶)، "سفرنامه"، ترجمه ابوتراب نوری، ناشر کتابخانه سنائی، چاپ دوم.
- ۷- ترکمان، اسکندربیگ، (۱۳۵۰)، "تاریخ عالم آرای عباسی"، ناشر موسسه امیرکبیر، چاپ دوم.
- ۸- شاردن، ژان، (۱۳۵۰)، "سیاحتنامه"، ترجمه محمد عباسی، ناشر موسسه امیرکبیر، چاپ دوم.
- ۹- شایگان، داریوش، (۱۳۸۰)، "افسون زدگی جدید"، دیدار، تهران.
- ۱۰- شایگان، داریوش، (۲۵۳۵)، "بتهای ذهنی و خاطره ازلی"، ناشر موسسه امیرکبیر، چاپ اول.
- ۱۱- شریعتی، علی، "تشیع علوی و تشیع صفوی"، ناشر نامعلوم.
- ۱۲- کخ، ماری، (۱۳۷۶)، "از زبان داریوش"، ترجمه پرویز رجبی، ناشر نشر کارنگ، چاپ دوم.
- ۱۳- کرین، هنری، (۱۳۷۴)، "ارض ملکوت"، ترجمه سید ضیاءالدین دهشیری، نشر طهوری، تهران.
- ۱۴- کرین، هنری، (۱۳۶۱)، "ملاصدرا"، ترجمه ذبیح الله منصوری، نشر سازمان انتشارات جاویدان، تهران.
- ۱۵- کست، پ، (۱۸۶۷)، "سفرنامه"، انتشارات زوار، تهران.
- ۱۶- گودار، آندره، (۱۹۶۶)، "هنر ایرانی"، چاپ یاد، تهران.
- ۱۷- لوتی، پیر، (۱۹۰۴)، "سفرنامه به سوی اصفهان"، مترجم بدرالدین کتابی، نشر اقبال، تهران.
- ۱۸- نصر، سید حسین، (۱۳۵۴)، "سه حکیم مسلمان"، انتشارات فرانکلین.
- ۱۹- نصر، سید حسین، (۱۳۷۴)، "سنت اسلامی در معماری ایرانی"، ترجمه سید محمد آوینی، انتشارات برگ.
- ۲۰- هردک، کلاوس، (۱۳۷۶)، "ساختار شکل در معماری اسلامی ایران و ترکستان"، واحد پژوهش و ترجمه بانیان، نشر بوم.

- 21- Ardalan, Nader and Laleh Bakhtiyar. (1975) "The Sense of Unity", the University of Chicago Press, Chicago.
- 22- Bakhtiyar, Laleh. (1979), "Sufi", Thames and Hudson, Singapore.
- 23- Benevolo, (1980), "The History of the city", Scholar Press, London.
- 24- Kostof, S. (1992), "The City Assembled: The Elements of Urban Form Through History", Boston, Bullfinch Press.
- 25- Nasr, Seyyed Hussein. (1964), "Three Muslim Sages", Thames & Hudson.
- 26- Ricoeur, Paul. (1974), "Existence and hermeneutics", in: The Conflict of Interpretation, North- Western University Press.